

بسمه تعالی

زندگی‌نامه زنان صحابه اثر ارزشمند و گرانمایی است که ما را با زندگی زنانی که در صدر اسلام به حضور حضرت نبی کریم (ص) شرفیاب گردیده اند آشنا می‌سازد. این اثر کم نظیر نتیجه تحقیقات و مبتعانی می‌باشد که توسط دانشمند محترم و محقق عالیقدر جناب الحاج عبدالکریم غریق انجام داده شده و با عنایتی که به سایت هرات آنلاین داشته اند اسباب اتمان و سرفرازی ما را در جهت نشر این سلسله از نوشته های ارزشمندشان فراهم گردانیده اند که ما هم از اعماق قلب از جناب ایشان اظهار سپاس و قدر دانی نموده و از بارگاه حضرت خداوند سبحان (ج) توفیقات مزید را در راه تحقیقات و پژوهش های دینی، تاریخی و علمی ایشان خواستاریم. بدینوسیله باید به عرض برسانیم که سایت هرات آنلاین تصمیم دارد تا نشر این اثر ارزشمند را به ترتیب حروف الفبا و قسمت های متوالی به نشر برساند تا تسلسل نشر این اثر گرانمایا هم نخورده و برای کسانی که خواسته باشند این سلسله را بصورت منظم دریافت یا نگهداری نمایند سهولتی مساعد گردیده باشد.

ومن الله التوفیق

(اداره سایت هرات آنلاین)

زندگی نامه زنان صحابه

حرف (آ)

قسمت 1

آسیه دختر حارث سعدی¹

آسیه دختر حارث بن عبدالعزی بن رفاعه بن ملان بن ناصر بن قصبه بن سعد بن بکر بن هوازن سعدی خواهر رضاعی پیامبر اسلام بوده و از وی ابوسعبد² نیشابوری در کتاب شرف المصطفی یاد نموده است.

آسیه دختر فرج جرهمی³

آسیه دختر فرج جرهمی را ابن منده ذکر کرده و از طریق ایوب بن محمد الوزان⁴ و او از یعلی بن اشدق و او از عبدالله بن جراد عقیلی آورده است که گفت:

آسیه دختر فرج زنی از جرهم بود و در جحون مکه سکونت داشت به نزد رسول الله (ص) آمد و گفت: یا رسول الله، من خطا کردم بر نفس خود و مرتکب زنا شدم مرا پاک بگردان.

پیامبر اسلام (ص) فرمودند: (فهل ولدت؟) آیا ولادت کرده ای؟

گفت: نه.

پیامبر اسلام (ص) فرمودند: (فکم بقی علیک من ولادتک؟) چند مدت از ولادت کردن تو باقی مانده است؟

¹ الاصابه صفحه 224 و 1627، حیاة الصحابیات صفحه 58

² ابو سعد نیشابوری: محمد بن یحیی بن ابو منصور نیشابوری ملقب به محی الدین فقیه شافعی مولد او به سال 476 هجری قمری به ناحیت نیشابور بود. ابن خلکان در وصف او گوید: استاد متأخرین و یگانه آنان در علم و زهد بود. فقه از حجت الاسلام ابی حامد غزالی و ابی المظفر احمد بن محمد خوافی فرا گرفت، به نظامیه نیشابور تدریس میکرد سپس به هرات باز به مدرسه نظامیه درس گفت و به رمضان سال 548 هجری قمری که ترکان غز به آن وقت بر نیشابور مستولی شدند او را بگرفتند و دهان او به خاک بینباشند تا اینکه بدرود حیات گفت و جماعتی از علما از جمله ابوالحسن علی بن ابوالقاسم بیهقی و افضل الدین ابراهیم بن علی خاقانی او را رثا گفتند. و او راست کتاب المحيط فی شرح الوسیط والانتصاف فی مسایل الخلاف و کتب دیگر لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه 683

³ الاصابه صفحه 1627، اسدالغابه جلد هفتم صفحه 3، حیاة الصحابیات صفحه 58

⁴ ایوب بن محمد وزان: ایوب بن محمد بن زیاد بن فروخ مکنی به ابو محمد رقی و ملقب به وزان از عمر بن ایوب موصلی و مروان بن معاویه فزاری و حجاج بن محمد و ابن علی و ابن عیینه و دیگران حدیث روایت نموده و از او ابو داوود و نسائی و ابن ماجه و ابو حاتم و یعقوب بن سفیان و عبدان و بجیری و ابن ابی عاصم و ابن ابی داوود و جماعتی دیگر روایت نموده اند. نسائی او را ثقة گفته و ابن حبان او را در شمار ثقات آورده و میگوید: نامبرده در ماه ذی القعدة سال 249 هجری قمری وفات یافته است و خطیب در تایخش او را مشهور و کثیر الحدیث آورده است. تهذیب التهذیب جلد اول صفحه 317

زن موصوفه برای شان از باقی ماندن حدود یکماه گفت.

پیامبر اسلام فرمودند: (لست بمطهرک حتی تلدی) نمیتوانم ترا پاک سازم تا زمانیکه ولادت نکنی. وحیدی را بطور مفصل بیان نموده است. ابو نعیم نیز از آسیه دختر فرج جرمی یاد نموده است.

آمنه دختر ارقم¹

آمنه دختر ارقم را اشیری² به نقل از ابن دباغ و او به روایت از ابو عمر ذکر کرده و ابو سایب مخزومی از مادر بزرگ خود آمنه دختر ارقم روایت نموده که رسول الله(ص) چاهی را در مرکز عقیق برای آمنه موصوف و گذار نمودند که بنام بیر(چاه)آمنه مسمی است و برکت زیادی در آن چاه است آمنه مذکور از جمله زنان مهاجر می باشد.

آمنه دختر حرمله³

آمنه دختر حرمله مادر ولید بن ولید بن مغیره مخزومی بوده و بعضی از مورخین اسم او را عاتکه گفته اند از وی در شرح حال پسرش ولید بن ولید یادآوری گردیده و دلالت بر آن دارد که وی از جمله زنان صحابیه بوده است.

آمنه دختر حکم غفاری⁴

آمنه دختر حکم((ابوالحکم)) غفاری را ابن حجر عسقلانی صاحب کتاب الاصابه ذکر کرده است.

¹ الاصابه صفحه 1627 ، اسد الغابه جلد هفتم صفحه 3 ، حیاة الصحابیات جلد چهارم صفحه 78

² اشیری: ابو محمد عبدالله بن محمد اشیری پیشوای اهل حدیث فقه و ادب در شام و خصوصا در حلب بود. عون الدین ابوالمظفر یحیی بن هبیره وزیر مقتدی و مستجد از ملک عادل نورالدین محمود بن زنگی درخواست کرد که اشیری را نزد وی گسیل دارد، نورالدین درخواست او را پذیرفت و اشیری را بسوی او روانه کرد اشیری کتاب ابن هبیره موسوم به الايضاح فی شرح معانی الصحاح را در حضور خود وی قرائت کرد و میان آن دو در باره مسیله ای که در آن اختلاف نظر داشتند.مناظره ای روی داد که هر دو از یکدیگر خشمگین شدند،ولی بدنبال آن وزیر معذرت خواست و به وی احسان فراوان کرد. آنکه اشیری از بغداد به مکه رفت و سپس به شام بازگشت و به سال 561 هجری قمری در بقاع بعلبک درگذشت. لغت نامه دهخدا جلد دوم صفحه 2691 به نقل از معجم البلدان جلد اول

³ الاصابه صفحه 1627 ، حیاة الصحابیات صفحه 77

⁴ الاصابه صفحه 1627 ، حیاة الصحابیات صفحه 77